

سوال اول - لطفاً در مورد سوابق خود توضیح دهید

اینجانب محمد صالح اولیاء متولد دیماه ۱۳۴۳ در شهرستان یزد هستم. مراحل تحصیلی خود را تا مقطع دیپلم در یزد گذراندم. مرحله ابتدایی در دبستان تابان، راهنمایی در مدرسه تعلیمات اسلامی رضائی و دبیرستان در دبیرستان زرگران که همگی از مدارس ممتاز یزد بودند. وضعیت تحصیلی من هم در این دوره خوب بود به طوریکه اکثرأً رتبه های برتر را داشتم. در سال ۶۲ که تقریباً اولین کنکور بعد از بازگشایی دانشگاهها بود موفق شدم در رشته مهندسی صنایع در دانشگاه صنعتی شریف قبول شوم. جالب است بدانید که در آن موقع رشته صنایع اصلاً شناخته شده نبود و حتی دانشگاه صنعتی شریف هم برای همدوره ای هایمان زیاد شناخته نشده بود چون مدتی دانشگاهها تعطیل بودند و هنوز سوابق آنها مشخص نشده بود ولی بخاطر اینکه برادران من دانشجوی بودند تا حدی از اوضاع رشته ها و دانشگاهها اطلاع داشتم.

به هر صورت رشته صنایع را با مقداری تردید و ابهام شروع کردم ولی بتدریج بیشتر به آن علاقه مند شدم و احساس کردم که رشته مفیدی برای جامعه است. در بین ورودیهای ۶۲ چهار نفر بودیم که معمولاً با هم پروژه می گرفتیم و بیشتر با هم بودیم و وضعیت درسی بهتری نسبت به بقیه داشتیم. مباحثی که با هم داشتیم خیلی مفید بود و باعث می شد تسلط بیشتری به مطالب پیدا کنیم. الان هر چهار نفر استاد دانشگاه هستند یکی در آمریکا یکی در دانشگاه امیرکبیر و یکی دانشگاه آزاد و من هم که در یزد هستم.

در سال ۶۶ در آزمون کارشناسی ارشد صنایع شرکت کردم که در آن موقع غیر متمرکز بود و من در دانشگاههای شریف، علم و صنعت و صنعتی اصفهان قبول شدم که در همان شریف ادامه دادم. همزمان بصورت نیمه وقت در جهاد دانشگاهی صنعتی شریف به کار شدم و عملاً فعالیتهای حرفه ای مهندسی صنایع را در آنجا شروع کردم که تجربه خوبی بود و باعث شد در پروژه های صنعتی درگیر شوم. در کنار آن باتفاق یکی از همکاران، ترجمه و تألیف یک کتاب در زمینه کنترل کیفیت را انجام دادیم که مورد استقبال قرار گرفت و تا بحال چند بار تجدید چاپ شده است.

در سال ۶۸ در آزمون اعزام به خارج شرکت کردم که قبول شدم ضمن اینکه رتبه اول در گرایش سیستمها را بدست آوردم. ولی ترجیح دادم ابتدا طرح سربازی خود را در دانشگاه یزد بگذرانم و پس از تمدید قبولی عملاً در سال ۷۲ به خارج اعزام شدم. در سال ۶۹ وارد دانشگاه یزد شدم که البته هنوز رشته صنایع نداشت. در همان موقع ترجمه کتاب احتمال و آمار را شروع کردم که با حمایت دانشگاه و بخصوص رئیس وقت آن دکتر شاهی چاپ شد. فکر کنم در اواخر سال ۶۹ بود که آقای دکتر وحدت نیز به دانشگاه یزد آمدند و این باعث شد بتوانیم راه اندازی رشته صنایع را پیگیری کنیم که خوشبختانه در سال ۷۰ اولین دانشجویان صنایع وارد دانشگاه شدند و این موفقیت مهمی بود چون بعد از صنعتی اصفهان دانشگاه یزد دومین دانشگاه شهرستانی بود که این رشته را راه

اندازی می کرد. لازم به ذکر است که آقایان دکتر صادقیه و دکتر مدرس (ترکی) هم که ابتدا در دانشکده برق بودند در راه اندازی رشته صنایع نقش داشتند و در واقع با این چهار نفر دانشکده شروع به کار کرد.

در سال ۷۲ برای ادامه تحصیل به انگلستان-دانشگاه بیرمنگام رفتم و در زمینه مدیریت کیفیت و بطور مشخص تر مباحث مرتبط با مشتری گرایی کار کردم که نهایتاً در سال ۷۵ موفق به اخذ مدرک دکترا شدم. در این مدت خوشبختانه موفق به انتشار ۳ مقاله در مجلات معتبر و ۲ مقاله در کنفرانس های بین المللی شدم که نسبت به سایر دانشجویان دکترا عملکرد خوبی محسوب می شد. بعد از اتمام تحصیلات به دانشگاه یزد برگشتم که در همان ابتدا مسئولیت دانشکده به من واگذار شد و بعد از آن درگیر مسئولیتهای اجرایی مختلف در دانشگاه و خارج از دانشگاه شدم. اگر چه این مسئولیتهای عملاً مقداری مرا از فعالیتهای علمی دور نگه داشت ولی در مجموع به خاطر اثراتی که فکر می کنم داشته است از آن راضی هستم. در بین اینها مسئولیت من در پارک علم و فناوری که حدود ۶ سال طول کشید فکر می کنم بیشتر از همه تأثیرگذار بوده است، هم در سطح استان هم در سطح ملی و هم در سطح بین المللی. از جمله ۲ سال مسئولیت پارکهای علمی منطقه غرب آسیا به اینجانب واگذار شد که موفقیتی برای پارک فناوری یزد محسوب می شد.

از نظر پژوهشی هم مجری چند طرح ملی، استانی و دانشگاهی بوده ام که فکر می کنم نتایج خوبی داشته است. در سال ۱۳۷۹ بعنوان عضو هیات علمی برجسته دانشگاه یزد و در سال ۸۰ بعنوان پژوهشگر تلاشگر دانشگاه انتخاب شدم. در سال ۸۰ با توجه به فعالیتهای آموزشی و پژوهشی که داشتم توانستم به مرتبه دانشیاری ارتقا پیدا کنم که البته تاکنون در این مرتبه در جا زده ام!

سوال دوم- در مورد جایگاه دانشکده در کشور چه نظری دارید؟

اولاً کیفیت و اعتبار دانشکده ها عمدتاً به اساتید و همچنین دانشجویان آن بستگی دارد که در مجموع فکر می کنم وضعیت این دانشکده در کشور خوب است. البته چه بخواهیم و چه نخواهیم دانشگاههای تهران وضعیت ممتازی دارند که رقابت با آنها را بسیار سخت می کند ولی در بین دانشگاههای شهرستان و حتی بعضی دانشگاههای تهران وضعیت ما خوب است. البته به هیچ وجه نباید از وضع موجود راضی باشیم و این تا حد زیادی به تلاش همه ما بستگی دارد. اگر بتوانیم در دانشکده روی یکی دو موضوع متمرکز بشویم و هم اساتید و هم دانشجویان روی این موضوعات بصورت تخصصی تر کار کنند این امکان وجود دارد که دانشکده در این زمینه ها برجسته شود و حتی در سطح بین المللی هم حرفی برای گفتن داشته باشد وگرنه اگر تلاشها روی موضوعات مختلف پخش شود با نیرو و امکاناتی که داریم برجسته شدن تقریباً غیرممکن است.

در مورد عوامل موفقیت دیگران هم باید عرض کنم که همان دو عامل اساتید و دانشجویان مهمترین عوامل هستند. البته امکانات آزمایشگاهی، کارگاهی و نرم افزاری هم مهم است ولی به اعتقاد من نیروی انسانی قوی خودبخود سایر امکانات را هم جذب می کند. موفقیت و نقش

دانشکده های موفق معمولاً در تعداد مقالاتی است که در مجلات معتبر چاپ می کنند و به اصطلاح سهمی که در تولید علم دارند. در کنار آن حجم قرارداد های تحقیقاتی به خصوص قراردادهایی که با صنعت بسته می شوند هم خیلی اهمیت دارد چون نشان دهنده تاثیر گذاری دانشکده در جامعه است و این که آیا عالم بلا عمل هستیم یا نه؟ اخیراً معیار دیگری که نشان دهنده موفقیت دانشگاهها و دانشکده ها شده میزان کار آفرینی آن است. بدین معنی که فارغ التحصیلان دانشگاه چقدر می توانند خود وارد عرصه کسب و کار شوند و حرفه ای ایجاد کنند که خوشبختانه اخیراً به نظر می رسد که وضعیت فارغ التحصیلان ما از این جهت در حال رشد بوده و ما الان در پارک علم و فناوری چند شرکت داریم که از فارغ التحصیلان صنایع تشکیل شده است.

غیر از این، اینکه فارغ التحصیلان دانشگاه در موقع کار چقدر بتوانند نیاز محیط کار را برطرف کنند هم اهمیت دارد که به نظر می رسد بر اساس بازخورهایی که داشته ایم خوشبختانه فارغ التحصیلان ما عملکرد خوبی داشته اند. تعداد زیادی از فارغ التحصیلان ما هم اکنون در کارخانه های بزرگ کشور جذب شده اند و منشا اثر هستند. در بازدید های کار آموزی که داشته ایم و در مورد توانمندی دانشجویان سوال می کنیم به نظر می رسد در مقایسه با سایر دانشگاهها وضعیت ما نسبتاً خوب است.

سوال سوم - با توجه به موفقیت هایی که داشته اید چه توصیه هایی به دانشجویان دارید؟

اولاً از لطف شما ممنونم و امیدوارم همین طور باشد. ثانیاً همین دو محور همیشه اصلی ترین توصیه من بوده است یعنی علم و اخلاق. یکی ما را مسلط به جهان بیرون خود می کند و دیگری ما را مسلط به جهان درون خود، و طبیعی است که اگر هر دو را داشته باشیم موفقیتی بالا تر از آن متصور نیست. اگر نخواهیم کلی گویی کنیم این موضوع را نباید خیلی ایده آل و دور از دسترس بدانیم. در زمینه علم همان قدر که سعی کنیم هر روز چیز بیشتری بدانیم ارزش دارد و این دانستن می تواند در مورد مسائل ظاهراً پیش پا افتاده و روزمره باشد و البته مرتبط با رشته تخصصی ما باشد.

در مورد اخلاق هم همینطور باید از قدمهای کوچک شروع کرد. من فکر می کنم مهمترین موضوع در این ارتباط، احترام به دیگران است. اگر برای دیگران ارزش قائل باشیم به آنها دروغ نمی گوئیم، آنها را تحقیر نمی کنیم، از نظرات آنها استفاده می کنیم و خیلی از ارزشهای دیگر به دنبال آن می آید. البته این به معنی نفی واقع بینی نیست همه ما دارای نقاط ضعفی هستیم و احترام به دیگران به معنی ندیدن آنها نیست بلکه پذیرش این اصل است که معمولاً هر کس نقطه قوتی دارد که بتوان روی آن حساب کرد و آن را مبنای همکاری و همفکری قرار داد.

در کنار این توصیه کلی، نکته ای که برای دانشجویان خودمان دارم که به نحوی به مباحث مهندسی صنایع هم مربوط می شود اینست که اولاً باید سعی کنیم در زندگی و تحصیل هدف داشته باشیم. همینقدر که خود را مکلف به رسیدن به یک سری اهداف کنیم خیلی از بلا تکلیفی ها، بی انگیزگی ها، و هرز رفتن ها کم می شود. اینکه هدف گذاری چگونه انجام شود البته جای

بحث دارد ولی نفس هدف داشتن بسیار ارزشمند است. ثانیاً یک مهندس صنایع موقعی موفق است که داری ابعاد مختلفی باشد نمی تواند فقط از نظر تئوریک قوی باشد. مهارتهای ارتباطی خیلی مهم است چرا که ما باید در کار با افراد مختلف ارتباط برقرار کنیم و توانایی ما از این نظر تأثیر زیادی در موفقیت ما می گذارد. توانایی کار تیمی هم همینطور. اکثر فعالیتهای مهندسی صنایع بصورت تیمی است که نمونه اش را در پروژه های مختلف درسی هم داریم. فعالیت در انجمنهای علمی می تواند تجربه بسیار خوبی برای دانشجویان باشد چون می توانند این مهارتها را کسب کنند و نباید این فرصت را از دست بدهند. علاوه بر این خوب است از همان ابتدا با محیط های کاری هم آشنا شوند که در این راستا پروژه های درسی و کارآموزی اهمیت دارد. غیر از اینها مهارت های نرم افزاری برای مهندسين صنایع اهمیت پیدا کرده است که لازم است از آن غفلت نکنند چون هم اکنون اکثر سیستمهایی که در مهندسی صنایع با آن سر و کار داریم به نحوی در قالب نرم افزار عینیت پیدا می کند و بنابراین باید بتوانیم حداقل با آنها کار کنیم.

در پایان برای شما و همگی دانشجویان آرزوی موفقیت می کنم و امیدوارم این دوره از زندگی آنها همراه با تلاش، بالندگی و موفقیت باشد به طوریکه وقتی از دانشگاه فارغ التحصیل می شوند واقعاً احساس کنند که جند پله از نظر علمی و اخلاقی رشد کرده اند.